

Jurisprudence of City and Urbanization¹

Tayebeh Balvardi

Assistant Professor, Department of Law, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran.
balvardit@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to review city and urbanization from the view of jurisprudence. In this regard, the jurisprudential concept of city and urbanization emphasizing on their spiritual soul were reviewed and then two main axes of urbanization, that is to say, construction and participation rights were analyzed. The research method was descriptive-analytic and the results showed that jurisprudence deems that it is essential to pay attention to beautification of city spaces and buildings as well as development of reconstruction and civil engineering. Some of the most important issues in urbanization involve the favorable size and limit for developing city structure and houses. Furthermore, jurisprudence has a special emphasis on the issue of participation relying on counselling and consultation as well as enjoining what is good and forbidding what is evil.

Keywords: Jurisprudence, Urbanization, Citizenship Rights, Participation

¹ Received: ۲۰۲۱-۰۴-۰۷; Revised: ۲۰۲۱-۰۵-۲۳; Accepted: ۲۰۲۱-۰۶-۱۳; Published online: ۲۰۲۲-۱۲-۲۲

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

© the author(s)



فقه شهر و شهرنشینی^۱

طیبه بلوردی

استادیار، گروه حقوق، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران. balvardit@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی شهر و شهرنشینی از نظر فقه است. در این راستا، پس از بررسی مفهوم فقهی شهر و شهرنشینی با تأکید بر روح معنوی حاکم بر آن، به تحلیل دو محور اصلی فقه شهرنشینی یعنی فضاسازی و حق مشارکت پرداخته شده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد فقه لزوم توجه به زیباسازی فضای شهر و نمای ساختمان‌ها و رشد و توسعه شهرسازی را لازم دانسته است. از مهم‌ترین مسائل شهرنشینی، اندازه و حدود مطلوب برای توسعه کالبدی شهر و حریم منازل شهرنشینان می‌باشد. همچنین فقه به امر مشارکت با تأکید بر شورا و مشورت، امر به معروف و نهی از منکر، تأکید ویژه دارد.

کلیدواژه‌ها: فقه، شهرنشینی، حقوق شهروندی، مشارکت.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰-۰۱-۱۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰-۰۳-۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰-۰۳-۲۳؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۱-۱۰-۰۱

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

© نویسندگان.



مقدمه

گسترش شهرنشینی به خصوص در دوره معاصر، سبب دل مشغولی بسیاری از نخبگان و صاحب‌نظران گوناگون به مسائل و پیامدهای ناشی از توسعه شهر و شهرنشینی شده است و به عنوان یک پدیده معمول در جوامع، موجب شده است که مسئله شهر یکی از مسائل مهم جامعه‌شناسی شود (ممتاز، ۱۳۹۴، ص ۳). رشد عمومی شهرنشینی تنها ناشی از افزایش طبیعی جمعیت شهرها نیست؛ بلکه عمدتاً ناشی از مهاجرت روستائیان به شهرها نیز است. لازمه ظهور شهرهای بزرگ و تداوم حیات درونی آنها، تغییرات عمده فرهنگی بوده است. شهرها در طول تاریخ، محل و محمل رشد و تحول فرهنگ‌ها و اجتماعات بوده‌اند؛ اما رشد شتابان شهرنشینی طی سده اخیر، شهرها را با مشکلات اجتماعی گوناگون اقتصادی و جغرافیایی روبه‌رو کرده است.

اسلام یک دین مدنی است و برای تمام ادوار زندگی انسان احکامی دارد که در هر زمان و مکانی کاربرد دارد. دین اسلام با توجه به صبغه فرهنگی برجسته‌ای که دارد؛ از همان آغاز، تأثیرگذاری خویش را بر مؤلفه‌های شهری آغاز نمود. به طوری که شهرنشینان مسلمان، رابطه تنگاتنگی با اسلام برای تنظیم یک برنامه زندگی روزمره داشتند و حتی شکل ظاهری شهرها نیز متأثر از احکام و قوانین اسلامی بوده است؛ به طور مثال نکته‌ای که در شهر نباید از آن عدول می‌کردند، ترسیم اندیشه‌های هنر اسلامی در بهره‌گیری از جهان هستی برای تعالی انسان‌ها است. ترویج صحیح این اندیشه، سبب تجلی و ظهور شهرهای برگرفته از تمدن اسلامی شد.

اکنون شایسته است از نگاهی نو و از منظر فقهی به این پدیده نگریسته شود. فقیه مسلط به موضوعات فقهی از یک سو و از سویی دیگر آگاه به مسائل شهر و شهرنشینی، می‌تواند احکام شرعی مرتبط را متناسب با نیازهای افراد و ضوابط علمی شهرسازی روشن کند. در این راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی شاخص‌های شهرنشینی در بطن فقه و اندیشه‌های اسلامی، و کنکاش در متون دینی برای دست یافتن به اندیشه‌های پویا و قابل استفاده در شهرهای اسلامی در دوران معاصر با روش توصیفی-تحلیلی است. به نظر می‌رسد که واکاوی این امر، به دلیل مسائل فرهنگی، بسیاری ضروری است.

شهر و شهرنشینی در اسلام

ابن خلدون منشأ پیدایش شهرها را به نحوه زندگی اقتصادی بشر مربوط می‌داند و معتقد است، در تشکیل بعضی از شهرها، مذهب نیز نقش عمده‌ای داشته است (جمشیدیها، ۱۳۸۲، ص ۲۶). از خصوصیات مهم دین و فقه اسلامی توجه و تأکید آن بر اجرای احکام و قوانین برای همه عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی است؛ این جنبه از فقه که آن را شریعت خوانده‌اند، چنان تأثیر در دین و حیات اجتماعی مسلمانان داشته است که برخی محققان گفته‌اند: بدون درک و شناخت احکام و قوانین اسلامی، امکان شناخت اسلام میسر نخواهد بود.

معیار تمدن و شهرنشینی در قرآن کریم، داشتن فرهنگ دینی، خداشناسی و ارتباط با خدا است. به همین دلیل قرآن هر شهرنشینی و تکامل در امور مادی و علمی را تمدن ندانسته است؛ بلکه مجتمع‌هایی را متمدن می‌داند که دارای هدف بوده‌اند و افراد صالح ساکن آن باشند. به عنوان مثال، شهر مذهبی مکه به امر خداوند و به وسیله ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) بنا شده است و قرآن با قسم از آن، یاد می‌کند: «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ» (بلد، ۱-۲)؛ مراد از شهر در این آیات، شهر مکه است که به عنوان الگوی شهر اسلامی نامیده شده است.

شهر اسلامی همانند تحول شهرنشینان، می‌بایست در حال تحول باشد و همواره خویش را با نیازهای زمان و مکان و با استناد به مفاهیم، اصول و ارزش‌های اسلامی وفق دهد. روایات، زندگی در سکونت‌گاه‌های بزرگ در مقایسه با مراکز تجمع کوچک را ارجح‌تر دانسته‌اند. تراکم زیاد، جمعیت مشخصه شهر در اسلام است و افراد جامعه، جوهر اصلی شهرنشینی و خانه‌های شخصی، واحدهای تشکیل دهنده آن هستند. سخن امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، گویای خوبی بر این سخن است: «لازم جمعیت‌های بزرگ باشید، همانا دست خدا همراه جماعت است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۷).

حضرت علی (ع) فرمودند: در شهرهای بزرگ سکونت کن، چراکه اینگونه بلاد عظیم مایه تجمع مسلمین است (نهج‌البلاغه، نامه ۶۹). ایشان ضمن توصیه به شهرنشینی و سکونت در اجتماع بزرگ می‌فرمایند: «و الزموا السواد الاعظم فان ید الله علی الجماعه؛ ملتزم به سواد اعظم (اجتماع بزرگ‌تر) باشید، همانا دست خدا همراه جماعت است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۷).

از سوی دیگر، طبق روایات، بازگشتن به زندگی بدوی و بادیه‌نشینی و طرد زندگی شهری بعد از هجرت نهی شده است: «لَا تَعْرُبْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۴۳)؛ «تعرب» در این روایت، به مفهوم زندگی بادیه‌نشینی بعد از شهرنشینی است و مقصود از شهر شرعی، شهری است که مقید به قانون شرعی، که زیر نظر حاکم شرع اداره می‌گردد؛ می‌شود. علما علت نهی شدن را این می‌دانند که بازگشت به بادیه‌نشینی، سبب عدم دسترسی انسان به علمای آگاه و بی‌اطلاعی از تکالیف دینی خواهد شد.

فقها، در مواجهه با شهرنشینی روزافزون جامعه از قرن دوم به بعد، به تعریف اجزای ساختمان در بافت شهر، تعیین حقوق، مزایای بنا و تعریف عرصه‌های خصوصی و عمومی پرداختند. فقه شهرسازی، اصول و قواعدی است که برای زندگی شهری و ساختار شهر، در فقه تبیین شده است. در منابع دینی اسلامی، در این زمینه فقه جامعه‌ی وجود دارد که باید استنباط شود.

مفهوم شهر و شهرنشینی

عام‌ترین تعریفی که از شهر ارائه شده، این است که شهر را مکان اسکان گروهی انسان‌ها و محل فعالیت آنها می‌دانند (وحیدا و ربانی، ۱۳۸۱، ص ۱). ساختار شهر اسلامی وابسته به مکان است و اصول طراحی آن از طریق نظم طبیعت به عنوان بستر اولیه اعتقادی، فرهنگی، مذهبی و اصول اجتماعی مورد کنکاش قرار گرفته است. اصطلاح شهر اسلامی

بیانگر هویت ویژه فرهنگی، اجتماعی و تاریخی خاص ساکنان آن است و فضای کالبدی بسیاری از شهرها، متأثر از ویژگی‌های سرزمینی و جغرافیایی آن است. شهرهای بزرگ و کوچک جهان، همه بر مبنای تفکر فلسفی و ایدئولوژی ملهم از عقاید و باورهای مردمی، شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم خود بنیان گذاشته شده‌اند (خالدیان و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۷).

در قرآن کریم واژگان متعددی مرتبط با سکونت‌گاه به کار رفته است؛ چون، قریه، بلد و ارض؛ اما مهم‌ترین و جامع‌ترین مفهوم؛ مدینه است (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۵۵). مدن، به معنای چیزی است که صفت اقامه کردن و برپا نمودن در آن بروز و ثبوت دارد. بنابراین، مدینه جایی خواهد بود که در آن امور، به وسیله تنظیم، تدبیر و سامان‌بخشی، اقامه و برپا می‌شود. در این صورت، واژه مزبور با تمدن که از مدینه مشتق است، تناسب دارد (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۵۵). قرآن کریم مدینه را محل تحقق شهرنشینی به معنای حقیقی می‌داند. در منابع اسلامی هیچ ملاک کمی برای شهر لحاظ نشده است، بلکه از نظر مبانی دینی، هر جایی که تعدادی از انسان‌ها براساس عدالت دینی زندگی کنند و منافع همه جانبه مردم در نظر گرفته شود، شهر نامیده می‌شود. «مراد اسلام از شهر، صورت و بزرگی آن نیست، بلکه ساختار زندگی شهری آن، عنصر تعیین کننده محسوب می‌شود. شهر در فرهنگ اسلامی صرفاً به عنوان معمار مطرح نیست، بلکه با افرادی که در آن زندگی می‌کنند، هویت می‌یابد، جامعه‌ای گرم، منسجم و متحد باشد» (خالدیان و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۷). برخی فقها شهر را اینگونه تعریف کرده‌اند: «سازمانی متشکل از مجموعه انسان‌های تابع دولت و حاکمی که براساس قانون، روابط بین آنان را نظم می‌بخشد» (اراکی، ۱۳۹۷، ص ۲۵). شهرنشینی دو مفهوم دارد: «شهری شدن» و «در شهر بودن». این مفاهیم بیشتر جنبه جغرافیایی دارند تا فرهنگی. در این حالت مثلاً اگر یک شخص روستایی ساکن شهر گردد، شهرنشین نامیده می‌شود (وحیدا و ربانی، ۱۳۸۱، ص ۸). هرکس در شهر زندگی می‌کند، خود به خود شهروند نیست. شهروندی یک مفهوم حقوقی - جامعه‌شناختی و مرتبه‌ای فراتر از شهرنشینی است؛ به گونه‌ای که ممکن است، در جامعه‌ای همه روستائینان، شهروند باشند و در جامعه دیگری هیچ‌یک از شهرنشینان شهروند نباشند. گذار از شهرنشینی به شهروندی در سایه احترام به حقوق همدیگر و برخورد عملی با مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع محقق می‌شود.

وجه تمایز شهروندی و شهرنشینی

کلمه شهروند، معادل و مترادف با واژه شهرنشین نیست، نمی‌توان واژه شهروند را صرفاً در مورد کسانی به کار برد که در شهر سکونت دارند. شهروند کسی است که ضمن انجام مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیت‌هایش در جامعه، خود را به عنوان عضوی از جامعه مدنی آن کشور معرفی می‌نماید. به همین دلیل واژه شهروند تنها شامل ساکنین شهر نبوده است و حتی روستاییان و عشایر جامعه نیز می‌توانند ضمن انجام یک سری از فعالیت‌ها، اقدامات، تفکرات و اندیشه‌ها، خود را به عضویت جامعه مدنی درآورند و شهروند جامعه محسوب شوند. از یک‌سو، شهرنشینان و ساکنان شهر با اجرای زندگی روزمره در شهر، آن را شکل می‌دهند و از سوی دیگر، شهر با ویژگی‌های کالبدی، فضایی،

زیستی و اقتصادی خود بر شهروندان اثر می‌گذارد. با چنین دیدگاهی است که هانری لوفور^۱، جامعه‌شناس فرانسوی، مفهوم «حق شهرنشینی» را در کنار مفهوم آشنا و قدیمی‌تر «حق شهروندی» مطرح کرد. حق شهروندی، حقی است که مبتنی بر عضویت در یک اجتماع سیاسی است (عظیمی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۵).

افراد یک جامعه زمانی شهروند به حساب می‌آیند که از مدنیت برخوردار باشند. آنچه در واقع از واژه شهروند به ویژه در ادبیات اجتماعی استنباط گردیده این است: که شهروند به کسی گویند، که دارای یک سری حقوق بوده و از حقوق خود به خوبی آگاه است؛ مسئولیت‌های اجتماعی خود را می‌شناسد و در نهادهای اجتماعی نیز حضوری مؤثر دارد؛ چرا که در غیر این صورت، فرد، شهروند به شمار نمی‌آید؛ فقط به عنوان یک شهرنشین، یا همشهری یا کسی که با دیگران در یک محل یا منطقه خاصی زندگی می‌کند، محسوب می‌گردد. افراد در جامعه حضور دارند بدون اینکه از حقوق اجتماعی، مدنی و سیاسی خود آگاهی داشته و از آنها برخوردار باشند؛ یا بدون آنکه در عرصه‌های اجتماعی حضور داشته، یا نقشی را برای خود در حوزه عمومی جامعه قائل باشند؛ چنین افرادی شهروند تلقی نمی‌شوند و فقط می‌توان آنها را شهرنشین نامید.

حق شهرنشینی

شهرنشین، صرفاً حضور فیزیکی در محدوده جغرافیایی شهر نیست و شهرنشین به عنوان صاحب حق شهرنشینی، تنها کسی نیست که در شهر حضور مادی دارد؛ بلکه فراتر از آن، زندگی روزمره سکنه، نقطه کانونی حق شهرنشینی است. شهرنشینان کسانی هستند که به زندگی روزانه در شهر ادامه می‌دهند، در فضای شهری هم زندگی می‌کنند، هم آن را خلق می‌کنند، در حقیقت آنان کسانی‌اند، که صاحب حق مشروع شهرنشینی‌اند (لوفور، ۱۹۹۱م، ص ۵۸).

«شهرنشینی علی‌رغم تشابه آن از لحاظ مضمون عضویت و برابری، وجه تمایزی با حق شهرنشینی دارد و عبارت از این موضوع است که حق شهرنشینی مبتنی بر عضویت در سکونت است. کسانی که در شهر ساکن‌اند، حق شهرنشینی دارند» (عظیمی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۴). در واقع حق شهرنشینی، حق شهروندی شهری است؛ به عبارت دیگر، به معنای بیان، مطالبه و تجدید حقوق گروهی طی تخصیص و ایجاد فضاهایی در شهر باید تلقی شود (همان، ص ۵۵).

حقوق شهرنشینی در عالم حقوق، مفهوم تازه و نویی است؛ در مقایسه با هموعان حقوق بشری خود، گستره محدودتری را شامل می‌شود. حقوق شهرنشینی از حق بر شهر می‌آید؛ شهری که در آن امکانات شهری به شکل عادلانه توزیع شده است و شهروندان در هر نقطه‌ای از شهر به امکانات شهری دسترسی دارند. حق شهرنشینی، حق کاربران فضای شهری (شهرنشینان) برای اعلام نظراتشان درباره فضا و زمان فعالیتشان در منطقه شهری است. همچنین بر حق استفاده از مرکز، یعنی مکانی ممتاز به جای پراکندگی و گرفتار شدن در گتوها (در مورد کارگران، مهاجران، حاشیه‌نشین‌ها و حتی ممتازها) صحنه می‌گذارد (عظیمی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵).

^۱ Henri Lefebvre

لوفور حق شهرنشینی ساکنان را به دو حق عمده تقسیم می‌کند:

- حق تخصیص فضای شهری،
- حق مشارکت محوری در تولید فضای شهری. حق تخصیص شامل حق تعریف و تولید فضای شهری برای پیشینه کردن ارزش استفاده فضا صرف‌نظر از ارزش مبادله آن است.

در این پژوهش، فقه شهرنشینی در دو حوزه فضای شهر و حق مشارکت، مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

فقه شهرنشینی و فضای شهری

شهر، ترکیبی از فضا و روابط سیستمی است. شهرنشینان می‌توانند نیازهای روزمره خود را از لحاظ خدمات، منابع، تولیدات، جاذبه‌ها و غیره، ابراز و تأمین نمایند. لوفور فضا را عنصر اصلی سازنده زندگی اجتماعی می‌داند (لوفور، ۱۹۹۱). «فضای شهری مستلزم حق زندگی، بازی، کار، بازنمایی، تشخیص بخشیدن و اشغال فضا در یک شهر خاص است. به شهر باید به عنوان بستر خلق زندگی روزانه ساکنان نگریسته شود که در آن رویه‌های زندگی روزانه‌شان بازآفرینی می‌شود» (عظیمی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۸-۵۷). منظر شهری از آنجا که امکان قرائت محیط را به بیننده می‌دهد، اهمیت زیادی می‌یابد. محیط بصری شهر، وسیله‌ای است که به کمک آن می‌توان ابعاد گوناگون شهر را به‌مثابه یک متن قرائت نمود. علاوه بر آن، منظر شهری از طریق نظام نشانه‌ای خود، قادر است ارزش‌های مورد توجه جامعه را به تماشاگران اطلاع دهد. همچنین، منظر شهری می‌تواند نفوذ ارزش‌های مذهبی را در شهرهای مذهبی به نمایش بگذارد (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۹۹-۱۰۰). در حقیقت، فضا و ساختار کالبدی شهر و نحوه چیدمان عناصر شهری و فضاسازی بر نظام اجتماعی و فرهنگی تأثیر خواهد داشت؛ به طور مثال، شهر اسلامی هوای خاص فرهنگی، تاریخی و فضایی را دارد و ارتباط ساختاری بین دین و فضای مصنوعی را نشان می‌دهد. تأثیر و نفوذ مذهب در برنامه‌ریزی و تنظیم محیط زیست سنتی، بر پایه قوانین اسلام منعکس می‌شود (خالدیان و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۰).

زیباسازی شهر

پرداختن به مقوله زیباشناسی شهر و زیباسازی آن از مهم‌ترین زمینه‌هایی است که در حوزه مطالعاتی شهرسازی مورد توجه است. شهر، موجودی زنده است و مثل یک ارگانیسم فعال، بافت تاریخی، محیط زیست، حمل و نقل، معماری، روابط انسانی آن و... در یک تعامل، کنش و واکنش با یکدیگر در جریان هستند. زیباسازی شهر یک امر تجملاتی محض نیست، فضا و سیمای شهر در روح و روان انسان، بلکه در ساختار اقتصادی، روابط و مناسبات اجتماعی، وضعیت بهداشت و سلامت جسم تأثیر فراوان دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ»؛ در تفسیر این آیه آمده که «حَدَائِقَ» به معنای بوستان محدودی است که آن را دیوار محاصره کرده است و «ذَاتَ بَهْجَةٍ» یعنی چیزی که دارای منظره‌ای نیکو است و هرکس آن را ببیند خوشحال می‌شود. با الگو قرار دادن آیات قرآن، لزوم توجه به زیباسازی فضای شهر و نمای ساختمان‌های شهری به خوبی متبادر می‌شود. نمای شهر نقش مهمی در ایجاد علاقه و وابستگی به محل زندگی دارد. وقتی شهرنشینان به محل زندگی خود علاقه نداشته

باشند، در نگهداری آن نیز حساسیت ندارند. زیبایی شهر علاوه بر تأثیر آرام بخشی که دارد، شهرنشین را تشویق به نگهداری شهر می کند. آلودگی های بصری، عدم نظافت شهر، نبودن هماهنگی و هارمونی در مبلمان شهری، استفاده بی رویه از نماهای بتونی به جای نماهای زیبای کاشیکاری فیروزه ای و لاجوردی، استفاده غیرعلمی از ساختمان سازی بی قواره مدرن و پست مدرن، تابلوهای تبلیغاتی بی سلیقه و... از جمله عوامل فضای بصری خواهد بود.

بهره گیری از گیاه و درختان در طراحی شهری، بهترین زینت و زیبایی است؛ قرآن آنها را زینت زمین دانسته است و می فرماید: «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْيَنْتَ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ؛ همانا مثل زندگی، دنیا همچون آبی است که از آسمان فرود آوردیم؛ پس گیاه زمین از آنچه مردم و چهارپایان می خورند با آن درآمیخت (و روید)، تا آنکه زمین از آن گیاهان زینت گرفت» (یونس، ۳۴).

رنگ ها می توانند زندگی شهری را سرزنده و شاد، یا غمگین و سرد نشان دهند. استفاده مناسب و سازمان یافته از رنگ ها، نماها و پوشش گیاهی مناسب، سیما و منظر شهری را مطلوب جلوه می دهند. از آنجایی که رنگ سبز به انسان نشاط و روح تازه می بخشد، فضای آزاد، درختان و سبزه زارها سبب فرح بخشی، سرور و روح افزایی شهرنشینان می شود. علم روانشناسی نیز، رنگ سبز را سنبل پشتکار، استقامت شخصیت و اراده قوی می داند (لوشر، ۱۳۷۰، ص ۸۰).

حدود و ثغور شهر

از مهم ترین مسائل شهرنشینی، اندازه مطلوب شهر و حدود مطلوب برای توسعه کالبدی شهر و حریم منازل شهرنشینان است.

شهرنشینی و تعیین حومه شهر

از قاعده «تلقی ركبان» که در حوزه فقه اقتصادی بیان شده، مسئله حومه شهر و اندازه آن، قابل تحلیل و بررسی است. عموماً کاروان های تجاری در گذشته به سمت شهرها می آمدند تا با شهرنشینان به خرید و فروش بپردازند. گاه افرادی قبل از ورود کاروان به شهر در حومه شهر می رفتند تا محصولات و کالاهای آنها را با قیمتی پایین تر از قیمت شهر، خریداری کنند؛ بعد از بازگشت به شهر، کالاها را با قیمت بالاتر به شهرنشینان می فروختند (فخرالمحققین حلی، ۱۳۸۷، ص ۴۰۸). طبق روایات این کار حرام است و سود و منفعت حاصل از آن مشروع نیست (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۶۸)؛ اما استفاده از قاعده ركبان در تعیین اندازه حومه اینچنین است که بر تصریح روایات این قاعده، تا فاصله چهار فرسخی شهر جاری است و بعد از این فاصله، خرید و فروش با کاروان های تجاری از حرمت خارج می شود و حکم تجارت حلال را پیدا می کند. براساس روایتی از امام صادق (ع)^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۶۹) حد قاعده

^۱ عن التاقی قلت و ما حد التقلی قال ما دون غدوه او روحه قلت و کم العدوه و الروحه قال اربع فراسخ.

تلقى ركبان چهار فرسخ، تقريباً معادل ۲۲ كيلومتر است. با توجه به شأن اين روايت، حومه شهر تا چهار فرسخ قابل استنتاج است؛ كه اندازه قابل قبول براي حومه شهر، بر اساس متون فقهی است.

فقه شهرنشینی و حریم خصوصی

حریم از حرمت به معنای منع است. حرمت آن چیزی است كه هتك آن جایز نیست (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۸۹). مسئله حریم از جمله احكامی است كه در بسیاری از كتب فقهی وجود داشته است و علما برای بیان مشروعیت آن، به دلایلی از جمله روایات باب حریم، قاعده «لاضرر»، اجماع و سیره عقلا استناد کرده‌اند. هرچند اصطلاح حریم خصوصی در متون فقهی به كار نرفته، اما بسیاری از موارد دفاع از حریم خصوصی اشخاص در منابع فقهی مطرح شده است؛ مانند ممنوعیت تجسس، تفتیش، سوءظن، استراق سمع، خیانت در امانت، غیبت، قذف و ورود بدون اجازه به منازل افراد دیگر.

برای تعیین قلمرو حریم، به عرف و متعارف هر منطقه - با توجه به موقعیت و شرایط مکانی و منطقه‌ای - رجوع می‌شود. ضابطه کلی آن عبارت است از محدوده‌ای كه بهره‌برداری كامل از عین مال متوقف بر آن باشد. به عنوان مثال، حریم خانه محل ریختن خاک آن و بستر آب‌های آن (یعنی مسیر آب و دفع فاضلاب) و راه ورود و خروج به آن است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۱۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۳۶-۴۶). حریم شهرها، اراضی و املاک متصل به حد خارجی محدوده قانونی شهرها است و حدود آن طبق تشریفات مقرر در قانون شهرداری تعیین می‌شود، كه بابت رفع نیاز شهر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

امروزه با از بین رفتن وحدت و پیوستگی زندگی، روند معماری و شهرسازی، در معنا و کالبد، از سیر تکاملی خود بازماند. رشد ناگهانی شهرها، آرامش را در محیط‌های مسکونی به شدت کاهش داده است و علی‌رغم اینکه خصوصی‌ترین حریم انسانی در خانه شکل می‌گیرد، با اشراف آپارتمان‌ها بر یکدیگر و بر خانه‌های حیاطدار، عملاً حیاط خانه‌های شهری از حوزه حریم خصوصی آنها حذف شده است. حریم بصری خانه، جزئی از حریم خصوصی انسان است. در فقه و حقوق اسلامی حد صیانت از حریم بصری خانه با قاعده «لاضرر» مشخص شده و نه تعرض به آن و نه ضرر زدن به مالک آن، مجاز شمرده شده است. لذا، متولیان شهرسازی مؤظفند در طراحی شهری و معماری، عواملی كه موجب ضرر و زیان به دیگران است را در تطابق با این قاعده فقهی اصلاح نمایند و اقدام به جبران ضرر و زیان صاحبان خانه‌های حیاطداري كنند كه با ضوابط شهری چون فروش تراکم، حیاط خانه آنها، از حریم خصوصی‌شان حذف شده است. قاعده لاضرر بر قاعده «تسلیط» تقدم دارد؛ یعنی قاعده لاضرر به منظور محدود کردن اقتدار و اختیارات قاعده تسلیط مقرر شده است، كه به صرف مالک بودن، شخص نمی‌تواند هر نوع تصرفی را در ملك خود اعمال نماید و تصرفات در ملك شخصی باید مبتنی بر اصول و ضوابطی باشد كه سبب اضرار به دیگران نگردد؛ فرقی هم نمی‌كند كه این ضرر مادی یا معنوی باشد. این موضوع به نوعی با موضع حد و حریم ارتباط دارد. به طور خلاصه، رعایت حد و حریم در فضاهای خصوصی و عمومی شهرهای اسلامی است. فقها در موارد گوناگون، در

رابطه با طراحی سه عنصر خارجی (درب ورودی، پنجره، ارتفاع و زائده‌های مرتفع) و ارتفاع بنا که می‌توانست منجر به تعدی بصری به حریم خانه گردد، اقدام به صدور حکم نموده‌اند (هشام، ۱۳۸۷، ص ۱۳۷).

فقه شهرنشینی و ساختمان‌های محل سکونت

خداوند خانه‌سازی و آرایش فضایی آن و جهت‌گیری شهری را به حضرت موسی (ع) در قالب وحی منتقل کرد (یونس، ۸۷). دیگر آنکه، مسکن و ساخت‌وساز آن، از مباحث مورد توجه فقه است؛ زیرا خانه دارای جنبه‌های روانی و تعاملی است که در آن فرد، ناخودآگاه به ترکیب رفتار- مکان می‌پردازد. علاوه بر آنف اسلام یک دین شهری و مدنی محسوب می‌شود؛ بر این اساس، ساختار شهرها و سکونتگاه‌ها را بنا کرد. طبق سنت و سیره معصومین، مسجد بایستی کانون و رکن شهرنشینی اسلامی محسوب شود. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «عرض راه مسجد را ده گز قرار داده و سایر راه‌ها را هفت گز عرض دهند» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۰۷).

توصیه به عریض‌تر ساختن راه مسجد، به معنای توصیه قرارگیری آن راه در سلسله مراتب بالاتر دسترسی، مرکز و کانون بافت شهری است. نقل شده است که پیامبر اسلام (ص)، نخست مسجد را بنیان نهاد و آنگاه خانه‌ها را گرد آن طرح‌ریزی کرد (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۸۳). البته همه مساجد در یک مرتبه و موقعیت نیستند، بدیهی است که مسجد جامع شهر باید به نحوی احداث شود که امکان دسترسی برای همه شهرنشینان به آن فراهم باشد و از لحاظ بُعد مکانی از همه محلات و نقاط شهر به یک فاصله باشد. منزل وسیع از جمله مواردی است که مورد توجه اسلام قرار دارد. در روایات داشتن خانه بزرگ نشانه خوشبختی و سعادت دانسته شده است؛ به طوری که امام صادق (ع) می‌فرماید: «خانه وسیع از سعادت انسان است» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۹۹).

براساس نظر فقها، احداث بالکن برای خانه در خیابان یا کوچه غیر بن‌بست، در صورت عدم مزاحمت برای رهگذران اشکال ندارد و در کوچه بن‌بست تنها با رضایت ساکنان آن روا است؛ همچنین گشودن در به جهت رفت و آمد به کوچه بن‌بست از سوی کسی که فقط دیورا خانه‌اش به سمت کوچه است، بدون اذن صاحبانش جایز نیست؛ لیکن گذاشتن پنجره جایز است. همچنین، گشودن پنجره به کوچه یا خیابان و حتی ملک دیگری اشکال ندارد (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۲۴۳-۲۴۵). علاوه بر آن، گشودن پنجره به سمت ممر عمومی و نیز کوچه بن‌بست (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۱، ص ۱۲۲)، همچنین خانه همسایه جهت استفاده از روشنایی و مانند آن، جایز است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۲۴۹). دیگر آنکه، دیواری که مشترک میان دو نفر یا بیشتر است، هیچ‌کدام بدون اذن دیگری حق گشودن پنجره در آن را ندارد (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۴۲۹).

حفظ محیط زیست و آلوده نکردن شهرها

گسترش شهرنشینی سبب پیدایش پدیده‌هایی چون تخریب و آلودگی محیط زیست شده است. در اثر عوامل طبیعی یا اقدامات بشری، محیط زیست شهری در معرض آسیب قرار می‌گیرد. مسائلی چون، افزایش حجم فاضلاب شهری و

صنعتی، نشت آلاینده‌ها و به کارگیری سلاح‌های غیرمعارف از سوی قدرت‌ها و... تهدید برای زندگی شهرنشینی و شهرنشینان است.

بر اساس مبانی فقهی و ادله فقهی که شامل کتاب، سنت، عقل و اجماع است؛ وظایف انسان در قبال محیط زیست و حوادث و تحولات آن معلوم می‌گردد. از نظر دلیل عقلی، هر گونه اقدام انسانی که به بر هم خوردن توازن و تعادل محیط زیست بیانجامد، موجب اخلال در نظام زندگی و هلاک نوع بشر شود، قبیح است. «این حکم عقل در مقوله محیط زیست از جمله احکام مبتنی بر حسن و قبح اقتضایی است. به بیان دیگر، حسن اقدام به اصلاح محیط زیست و جلوگیری از هدم آن اقتضایی و قبح اقدام به تخریب و نابودی آن هم اقتضایی است و این دو علت تامه برای حسن و قبح نمی‌باشند، بدان جهت که عناوین الزامات مربوط به محیط زیست، قطعی، همیشگی و استثناء‌ناپذیر نیست» (تاریمرادی و فخلعی، ۱۳۸۵، ص ۳۸).

قرآن کریم، حق بهره‌برداری از محیط زیست و طبیعت را برای انسان و مسئولیت و تکلیف عمران و آبادانی زمین را نیز، بر عهده او گذاشته شده است: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت» (هود، ۶۱). این آیه، محافظت، عمران، آباد کردن محیط زیست را وظیفه انسان می‌داند؛ پس، هر عملی که با آبادانی محیط زیست منافات داشته باشد، ممنوع است.

در فقه اسلامی ظرفیت‌های بسیاری برای قانونگذاری و اجرای قوانین محیط زیست وجود دارد که می‌توان با بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها، به پی‌ریزی قوانین اجتماعی براساس احکام اسلامی یاری رساند. رشد بی‌رویه شهرنشینی باعث هجوم آلاینده‌های زیست محیطی و تخریب منابع طبیعی گردیده است. عناصر طبیعت از قبیل آب، خاک، گیاهان، درختان و جانوران، جایگاه و ارزش ویژه‌ای دارد. روایات بسیاری درباره نهی از قطع درختان بیان شده است؛ از جمله روایت مسعده از امام صادق (ع) که از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند: «درختان نخل را آتش نزنید و آنها را در آب غرق نکنید و درختی که میوه می‌دهد، قطع نکنید و زراعتی را آتش نزنید؛ زیرا چه بسا بدان‌ها نیازمند شوید و از چهارپایانی که گوشتشان خوردنی است، نکشید؛ مگر آنکه به گوشت آنها محتاج شوید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹).

نابود کردن مساکن، کشتزارها، قطع درختان یا صدمه زدن به آنها در هنگام جنگ جایز نیست؛ مگر آنکه چاره‌ای نباشد (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۱). شهید ثانی و محقق حلی، بریدن درختان و پرتاب آتش و باز کردن آب به سوی دشمن را مکروه می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۸۳). محقق کرکی، احتمال حرمت را قوی می‌داند (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۱۲). امام صادق (ع) به شدت از بریدن درختان نهی کرده و فرموده‌اند: «هرگز درختان را قطع نکنید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۳۹). تمامی این روایات در زندگی امروز که نقش درختان در پالایش هوا، کاهش آلودگی، بازدارندگی سیلاب‌ها، ایجاد نشاط روحی و بسیاری از فواید دیگر شناخته شده است و در مقابل، آثار خطرناک و ویران کننده قطع و کاهش درختان و سرسبزی طبیعت

آشکار شده است؛ قابل توجه و اهمیت هستند. علاوه بر آن، آیاتی همچون «و کلاوا و اشربوا و لا تسرفوا...» که بر نهی تحریم یا اسراف و تبذیر دلالت دارد نیز، مورد توجه قرار می‌گیرند؛ زیرا استفاده بی‌رویه از محیط زیست و اموری از قبیل قطع درختان و شکار حیوانات و هدر دادن منابع مهم مثل آب و گیاه، از بارزترین مصادیق اسراف محسوب می‌شود.

فزونی جمعیت شهرنشینی، پیشرفت صنایع و تراکم کارخانه‌ها، وسایل حمل و نقل، درگیری‌های منطقه‌ای و جهانی و به کارگیری سلاح‌های میکروبی، شیمیایی و هسته‌ای، تهدید جدی برای حیات بشر است. محقق حلی در «الشراعی» القای سم در بلاد مشرکین را حرام دانسته است. براساس نظر مشهور فقهی، احیا و آبادانی اراضی موات موجب پدید آمدن حق و ملک برای محیی می‌شود. مستند این مسئله نیز برخی روایات، مانند حدیث نبوی است: «من أحيأ أرضاً فیهی له؛ کسی که زمینی را احیاء کند پس آن زمین برای اوست» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۵۲).

فقه بر کراهت آلوده کردن آب، تأکید دارد. روایات زیادی از ادرار کردن در آب، نهی کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۷). صاحب جواهر آن را مقید دانسته‌اند به اینکه نسبت به این عمل اضطراب حاصل نباشد، فتح و ظفر هم بدان موقوف نباشد. دلیل این حکم را روایت سکونی از امام صادق (ع) دانسته‌اند: «پیامبر خدا نهی کرد از رها کردن سم در سرزمین مشرکان» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۶۷).

بخش مهمی از احکام فقه و شریعت به موضوع حیوانات، حفاظت از آن‌ها و نیز، تبیین وظایف انسان در برابر آن‌ها اختصاص دارد. اهمیت حق حیوان در فقه اسلامی تا آنجاست که شماری از فقیهان آن را در زمره حق‌الله دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۷، ص ۱۱۱). قاعده لاضرر که در مورد نقصان در نفس و مال به کار می‌رود، آسیب‌های حاصل از محیط زیست را نهی می‌کند. لاضرر شامل ضررهای عمومی می‌شود که اهمیت بیشتری نسبت به ضرر فردی دارد؛ چراکه حیات نوع بشر را در معرض آسیب جدی قرار می‌دهند. نه تنها خسارت‌های ناشی از اقدام‌های تخریبی با قاعده لاضرر برداشته می‌شود؛ بلکه چنانچه ترک اقدام‌های اصلاحی و سازنده هم به اضرار در محیط زیست بینجامد، این قاعده با آن مقابله خواهد کرد. بنابراین، دولت مکلف است در مرحله قانونگذاری و اجرا، همه توان خود را برای اصلاح محیط شهری و حمایت از آن چون، احیای مراتع و جنگل‌ها، جلوگیری از فرسایش خاک و گسترش فضای سبز صرف کند. لاضرر با اقدامات زیان‌بار و جبران‌ناپذیر مقابله خواهد نمود.

بهداشت عمومی

بهداشت محیط انسانی زندگی بشر در دو بخش فردی و اجتماعی و از سوی دیگر جسمی و روانی از قبیل نظافت بدن، پوشاک، مسکن، تغذیه، خانواده، محیط شهری، صنعت و فناوری، بهداشت صوتی و تصویری و... را دربرمی‌گیرد. یکی از حداقل درخواست‌هایی که یک شهرنشین می‌تواند مدعی دریافت آن باشد؛ نظافت شهر، کوچه‌ها، خیابان‌ها، مکان‌های عمومی و مکان‌های دولتی است. این عنوان یکی از ابتدایی‌ترین نیازهای انسان برای داشتن یک زندگی سالم، آسوده و مرفه است. در حقیقت، حداقل چیزی که از یک شهر انتظار می‌رود، همین موضوع پاکیزگی و

بهداشت شهری، هم از لحاظ ظاهری و هم از لحاظ معنوی است. این موضوع علاوه بر اینکه یک نیاز ابتدایی است، یک لزوم پرارزش و گران‌بها نیز می‌باشد؛ زیرا مستقیماً با سلامت و بهداشت مردم جامعه در ارتباط است. در قرآن درباره شهر قوم سبا می‌خوانیم: «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ قَطْعاً» برای [مردم] سبا در محل سکونتشان نشانه [رحمتی] بود: دو باغستان از راست و چپ [به آنان گفتیم]: از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید. شهری است خوش و خدایی آمرزنده» (سبا، ۱۵) طبرسی در تفسیر آیه می‌گوید: این شهر پاکیزه، پر برکت و خاکش شیرین بود و از آن همه‌گونه گیاه و درخت بیرون می‌آمد، زمین شوره و سخت نبود و در آن چیزی از حشرات موذی و آزارکننده وجود نداشت؛ تا جایی که بعضی گویند: مراد از آیه مذکور این است که در آبادی آنها پشه، مگس، عقرب و مار وجود نداشت، اگر غریبی وارد شهرشان می‌شد و شپش و ساس در لباسش بود، می‌مرد (طبرسی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۳).

مشارکت و شهرنشینی

جزء دوم حق شهرنشینی، حق مشارکت است. در جهان امروز، به دلیل بحران‌های اقتصادی و بی‌ثباتی، بحران‌های زیست محیطی و...، ضرورت مشارکت شهروندان در امور مختلف شهری احساس می‌شود. مشارکت اجتماعی عبارت است از شرکت کم و بیش آشکار در حیات اقتصادی، گذراندن اوقات فراغت، فرهنگ، تقبل مسئولیت‌های سیاسی، مدنی و نظایر آن (تبریزی، ۱۳۷۵، ص ۹۹). حق مشارکت برای شهرنشینان بر نقش مرکزی آنان برای دخالت در تصمیمات سیاسی - اجتماعی و تصمیماتی که به تولید فضای شهری مربوط می‌شود نیز، ارتباط دارد. اعم از اینکه این تصمیمات به دولت (سیاست‌گذارانه) یا به سرمایه (سرمایه‌گذاری) و در هر سطحی (ملی، استانی، محلی و حتی بین‌المللی)، مثلاً در مورد شرکت‌های چند ملیتی مربوط باشد.

مشارکت شهرنشینان در اداره امور شهر، به همراه دو عامل درگیری و مسئولیت‌پذیری شهرنشینان، به عنوان عوامل کلیدی در ارتقای سطوح مختلف جوامع شهری در نظر گرفته شده‌اند. مشارکت شهرنشینان در مدیریت امور شهر خود، به هر شکل و طریقی که باشد، موجب می‌شود، شهرنشینان و هم سیستم مدیریتی شهر، برای انجام هر چه بهتر وظایف خود، مسئولیت‌پذیری بیشتری احساس کنند و شهرنشینان نسبت به تصمیم‌گیری‌های صورت گرفته در شهر مسئولیت‌پذیر گردند. تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر حمایت عمومی و مشارکت مردمی باعث می‌شود تا حاکم و متولیان امر، برنامه‌های خود را با اطمینان بیشتری عملی کنند. دیگر اینکه، شهرنشینان به عنوان جزء لازم مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه شهری مورد پذیرش هستند.

فقه به امر شورا و مشورت، اهتمام و تأکید ویژه ورزیده است؛ آیات «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران، ۱۵۹) و «وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری، ۳۸) امر به مشورت با مردم است. نکته پیوند زننده اصل شورا با مقوله فقهی مشارکت آن است، که عینیت و تحقق چنین آموزه‌ای با مبحث مشارکت اجتماعی و سیاسی، به مفهوم حضور مردم در تعیین سرنوشت سیاسی‌شان، رابطه‌ای عمیق خواهد داشت (هزاوی و حسینی، ۱۳۹۶، ص ۳۳).

امر به معروف و نهی از منکر، روش واقعی، اصلاح و تغییر جامعه و رسالتی همگانی است که به خوبی زمینه‌های مشارکت و رقابت سیاسی افراد و نیروها را فراهم می‌آورد. در ذیل بحث امر به معروف و نهی از منکر، اصل «النصیحه لائمة المسلمین»، به عنوان مکانیسم جلب مشارکت سیاسی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. اصل نظارت و تصیحت به عنوان یکی از شیوه‌های سیاسی مستحکم و عمیق در درون جامعه اسلامی از صدر اسلام مطرح بوده است (هزویی و حسینی، ۱۳۹۶، ص ۳۸). عدالت از خواسته‌های همیشگی آدمی بوده و یکی از اهداف تشکیل اجتماع، دستیابی به عدالت است. عدالت شهری در مشارکت شهرنشینان، مساوات نسبت به همه شهرنشینان و اقشار اعم از ضعیف و قوی است. در این عرصه اگر قانون به طور مساوی اجرا نگردد، جامعه آسیب‌پذیر خواهد شد.

حاکمان شهر باید امکانات مورد نیاز شهرنشینان را برای تمامی افراد به اندازه کافی فراهم کنند. اگر یک اجتماع بخواهد باقی و برقرار بماند باید متعادل باشد، همه چی در آن، به قدر لازم وجود داشته باشد. از شاخصه‌های مهم عدالت اجتماعی شایسته‌سالاری است؛ یعنی هر شهروند با توجه به موقعیت، مقام، تخصص و شایستگی باید عهده‌دار پستی در همان سطح باشد؛ منافع گروه‌های اجتماعی و همه شهرنشینان از جهت مشارکت اجتماعی رعایت گردد. عدالت شهری یعنی همگان حق برخورداری از امکانات شهری به طور مساوی، اجرای اصول و ضوابط یکسان در مورد مسائلی همچون، تأسیس اماکن تفریحی- ورزشی، کارگاه‌ها، استفاده از دوره‌های آموزش حرفه‌ای، دریافت مزد مساوی، استفاده از مزایا و... را داشته باشند. اصل برابری و عدالت، بیان می‌دارد که هیچ فردی برتر از دیگری نیست؛ بنابراین، قدرت عمومی نباید در یک قرارداد خصوصی به نفع یکی از طرفین مداخله کند و موازنه قدرت را بهم زند؛ بلکه کارگر و کارفرما باید شخصاً و با مذاکره شرایط کار را تعیین نمایند.



شکل ۱- حوزه‌های فقه شهرنشینی

نتیجه‌گیری

شهرنشینی، به عنوان یک پدیده اجتماعی، یکی از ضروریات زندگی محسوب می‌شود. شهرنشینی مبتنی بر سکونت است؛ یعنی کسانی که در شهر ساکن‌اند و شهرنشینان کسانی هستند که به زندگی روزانه در شهر ادامه می‌دهند. از منظر فقه، معیار تمدن و شهرنشینی، داشتن فرهنگ دینی است. بر این اساس، دو حق عمده برای شهرنشینی بیان شده است؛ حق تخصیص فضای شهری و حق مشارکت.

انسان، کالبد شهر و نظام اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن، در تعامل مستقیم با یکدیگر است. همانگونه که ساختار کالبدی شهر و نحوه چیدمان عناصر شهری، بر نظام اجتماعی فرهنگی تأثیرهایی خواهد داشت؛ مناسبات اجتماعی نیز، به صورت متقابل، بر بافت شهری، اثری ژرف برجای می‌نهد. بنابراین، رشد و توسعه شهرسازی همچون انعکاسی از مراحل انکشاف و تغییرات اجتماعی درون شهرها محسوب می‌شود. فقه، لزوم توجه به زیباسازی فضای شهر و نمای ساختمان‌های شهری را لازم دانسته است؛ چرا که سبب ایجاد علاقه‌مندی شهرنشینان به محل زندگی و تقویت روحیه شاد برای آنان خواهد شد. از مهم‌ترین مسائل شهرنشینی، اندازه و حدود مطلوب برای توسعه کالبدی شهر و حریم منازل شهرنشینان است. در این رابطه، مباحث فقه شهرنشینی و تعیین حومه شهر، حریم خصوصی شهرنشینان، فقه ساختمان و خانه‌های محل سکونت مطرح می‌شود. علاوه بر آن، حفظ محیط زیست، آلوده نکردن شهرها و بهداشت عمومی نیز در فقه فضای شهری باید ملاحظه شود. در این بین، قوانین و ارزش‌های حاکم بر سازمان فضایی شهرها و آثار معماری، گاه غیر مکتوب‌اند و به صورت امری عرفی در میان ساکنان شهرهای اسلامی قابلیت اجرا یافته‌اند. یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی، قاعده لاضرر و لاضرار است. براساس این قاعده، هیچ‌کس حق ندارد جهت اعمال حق خود، سبب ضرر و زیان دیگران شود.

جزء دوم حق شهرنشینی، حق مشارکت است. در جهان امروز، به دلیل بحران‌های اقتصادی و بی‌ثباتی، بحران‌های زیست محیطی و...، ضرورت مشارکت شهروندان در امور مختلف شهری احساس می‌شود. مشارکت شهرنشینان در اداره امور شهر، به همراه دو عامل درگیری و مسئولیت‌پذیری شهرنشینان، فقه را به امر مشارکت با تأکید بر شورا و مشورت واداشته است و امر به معروف و نهی از منکر را، روش واقعی اصلاح و تغییر جامعه می‌داند.

منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
- ابن ادريس حلی، محمد (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۲.
- اراکي، محسن (۱۳۹۷). *فقه عمران شهري*. قم: مجمع الفكر الاسلامي.
- بحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۲۱.
- تاریمردی، حسان؛ فخلعی، محمدتقی (۱۳۸۵). *مبانی احکام فقهی محیط زیست*. مطالعات اسلامی، شماره ۷۱.
- تبریزی، محسن (۱۳۷۵). *بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی*. تحقیقات فرهنگی، شماره ۱.
- جمشیدیه، غلامرضا (۱۳۸۲). *جامعه، دولت و شهرنشینی تفکر جامعه‌شناختی ابن خلدون*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة*. بیروت: دارالعلم للملایین، ج ۵.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ج ۵، ۱۳.
- خالدیان، ستار؛ کریمیان، حسن؛ احمدپور، احمد؛ مظاهریان، حامد (۱۳۹۳). *تبیین جایگاه اسلام در روند شهرنشینی و سازمان فضای شهری ایران*. شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۷.
- خمینی، سید روح‌الله (بی تا). *تحریر الوسیلة*. قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، ج ۲.
- شریفیان، احسان؛ پورجعفر، محمدرضا؛ تقوایی، علی‌اکبر (۱۳۹۶). *تحلیلی از مفهوم شهر و ارکان شهرنشینی از منظر قرآن کریم*. هویت شهر، شماره ۲۹.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الافهام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ج ۳.
- شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ج ۷.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات فراهانی.
- عظیمی هاشمی، مژگان؛ رضوی‌زاده، ندا؛ جوان جعفری، عبدالرضا (۱۳۹۳). *منشورهای شهری، بستر تحقق حق شهرنشینی*. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۱، شماره ۲، ص ۷۶-۵۱.
- فخرالمحققین حلی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ج ۵، ۷.

- گلکار، کورش (۱۳۸۷). محیط بصری شهر؛ سیر تحول از رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار. علوم محیطی، سال ۵، شماره ۴، ص ۹۵-۱۱۴.
- لوشر، مارکس (۱۳۷۰). روانشناسی رنگ‌ها. ترجمه لیلا مهادپی. تهران: انتشارات حسام.
- محقق حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ج ۴، ۱.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، چاپ دوم، ج ۵، ۳.
- مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز کتاب لترجمه و النشر، ج ۱۱.
- ممتاز، فریده (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی شهری. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ج ۸، ۲۶-۲۷، ۲۱.
- وحید، فریدون؛ ربانی، رسول (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی شهری. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- هزاوی، مرتضی؛ حسینی، فاطمه (۱۳۹۶). بررسی اصول و سازوکارهای فقهی مشارکت سیاسی در اسلام. سیاستنامه مفید، سال ۲، شماره ۱.
- هشام، مرتضی (۱۳۸۷). اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام. ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی وزارت مسکن و شهرسازی.

Lefebvre, H. (۱۹۹۱). *The Production of Space*. Trans. N. Donaldson-Smith. Oxford: Basil Blackwell.